

فعالیت‌های عمرانی تیموریان در عصر میرزا شاهرخ (1405-1447م)*

نوشته: پروفسور دکتر اسماعیل آقا
برگردان: اکرم نجابتی**

در حالیکه تیمور در سرزمینهای متصرفی از لحاظ خونریزی دست کمی از چنگیزخان نداشت، ما بین لشکرکشیها در فرصتهایی که بدست می آورد فعالیت‌های عمرانی نیز انجام می داد. بخصوص در سمرقند به معماری اهمیت فوق العاده ای قایل شده از سرزمینهایی که تصرف کرده استادان و صنعتکاران را آورده در نزدیکی سمرقند دهاتی بنام دمشق، مصر، شیراز، سلطانیه و بغداد ایجاد کرده بود. در بیرون شهر باغچه هایی که بعضی از آنها مختص خانها بود به نامهای دلگشا، شمال، نقش جهان، چنار، تخت قاراجا بنا کرده بود. گوگ سرای که در قلعه سمرقند ایجاد شده بود بیشتر برای نگهداری خزانه دولت و به عنوان زندان استفاده می شد. حتی مقبره ای که مزار تیمور، میرانشاه، شاهرخ، اولوغ بیگ و محمد سلطان در آن قرار دارد در انتهای مدرسه ای که توسط محمد سلطان ساخته شد قرار دارد و این مقبره بعد از برگشت از جنگ آنکارا توسط تیمور ساخته شد. در عهد تیموریان آبادترین قسمت‌های هرات طبق نوشته های جغرافی دانان قرن دهم در قسمتهایی که در جاهای خالی از آن نام برده شده و نیز در جوار دشتهای گازرگاه بوده است. باغچه های زاغان و سفید که در زمان کرتها (1389-1245م) بنا شده بود در زمان شاهرخ تعمیر شده و شاهرخ از اولی بعنوان مقر حکومتی استفاده می کرد. باغ سفید نیز در سال 1410م تعمیر شده و یک کوشک به آن اضافه شده و تا هنگام مرگش (1433م) اقامتگاه بایسنقر میرزا شده بود. فرمانده بزرگ فیروزشاه و علیکه کوکلناش از طرف شاهرخ مامور آبادی هرات شده، در شمال شهر در کناره های قناتهای انجیل و خیابان، خانه های مجلل و باغچه هایی برای خودشان درست کرده بودند. ساخت این بناها در زمان حسین بایقرا هم ادامه یافته و علیشیرنوایی نیز در اینجا بناهای زیادی را ساخته بود. در اثر هرج و مرج بعد از مرگ تیمور و مشغولیت شاهرخ به فعالیت‌های عمرانی در ابتدای حکومت، او دیگر فرصت رسیدگی به دشمنان خارجی را به نمی یافت. فقط به خاطر امنیت شهر دستور بازسازی قلعه اختیارالدین را صادر کرد و زمانیکه اوضاع بر وفق مرادش شد فعالیت‌های عمرانش را نیز توسعه داد.

Ismail Aka, "Mirza Şahruh Zamanında (1405-1447) Timurlular'da İmar Faaliyetleri," *Bellekten*, * Cilt XLVIII, Sayı 189-190, Ocak-Nisan 1984, s. 285-297.

Akram Najabati, Ege Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Türk Dünyası Araştırmaları Genel ** Türk Tarihi Anabilim dalı doktora öğrencisi.

به همین منظور در سال 812 (1410م) هنگامی که در بادغیس بسر می برد، دستور آبادی شهر مرو را که بعد از استیلای مغول تخریب شده بود را داد. علاوه بر این فرمانروا خواستار فعالیتهای عمرانی در سراسر خراسان بود. هنگام اجرای این فرمان راههای زیادی درست شده، پلهای تازه ای ساخته شده و پلهای قدیمی نیز بازسازی گردید. امیر علیکه کوکلتاش، امیر موسی و امیر علی شغانی مامور شدند که سد خراب شده آب مرو را که از آب مرغاب تغذیه می شد را تعمیر کنند و آنها تمامی این کارها را در مدت کوتاهی به اتمام رساندند. در سال اول 500 جفت گاو نر برای زراعت بکار گرفته شده و از اطراف انسانهایی جهت کار در آنجا اسکان داده شدند. طول آب تا دروازه علمدار شهر، حدود 12 فرسخ بوده، گودی آن کمتر از 5 گز و پهنای آن در ابتدا 20 گز و در انتها 12 گز حفر شده بود. شهر با مسجد، بازار، حمام، کاروانسرا، خانقاه، مدرسه و دیگر ابنیه خیریه تزیین شده و حیات اقتصادی قبلی خود را بازیافته بود.

با وجود این فرمانروای تیموری تلاش می کرد در تمام مدت سلطنتش همانند پدرش، هرات را با ابنیه هایش به صورت مرکز دولت در بیاورد. به همین خاطر از همان سالهای اولیه سلطنتش در شمال شهر در محله قلعه آلتی در دامنه قلعه اختیارالدین به ساخت یک مدرسه و یک خانقاه اقدام کرده و اینها در سال 1410م به پایان رسیده بودند. در این مدرسه یوسف اوبهی، یوسف حلاج، عبدالرحیم یار احمد و لطف الله به عنوان مدرس تعیین شده و در روز اول خود فرمانروا نیز شخصا به مدرسه آمده و مدرسان در موضوعاتی چون فقه و تفسیر تدریس کرده بودند. مقام و عنوان شیخ خانقاه به شیخ الاسلام علی چاشتی داده شده و نیز امام، مدرس، واعظ و دیگر خدمتکاران معین شده و برای هر دو بنا زمینهایی وقف شده بود. گهگاهی در درسهای مدرسه، امیران مشهوری چون جلال الدین فیروزشاه و علیکه کوکلتاش و نیز علمای هرات شرکت کرده و بین علما بحثهای علمی نیز صورت می گرفت. می دانیم که شاهرخ در هرات یک دارالشفای نیز درست کرده بود. باز از سوی شاهرخ در سال 1425م بر سر مزار خواجه عبدالله انصاری (وفات 1088م) که در 2.5 کیلومتری شمالشرقی هرات واقع و بعنوان یک ده و زیارتگاه بود، مقبره بزرگی ساخته شده بود.

گوهرشاد زوجه شاهرخ که در اداره حکومت نفوذ زیادی داشته، در فعالیتهای آبادانی نیز نفوذ خود را نشان داده بود. در افتتاح مسجدی در مشهد که گوهرشاد ساختنش را بعهدده معمار قوام الدین داده و در سال 1418م به پایان رسید، شاهرخ و گوهرشاد نیز حاضر بودند. شاهرخ به مقبره امام رضا(ع) که در انتهای مسجد قرار داشت 3000 مثقال طلا و یک چلچراغ هدیه کرده و از طرف دیگر در شرق مشهد یک خانه مجلل و یک باغچه بنا کرده بود.

گوهرشاد در هرات و در سر خیابان در کناره های قنات انجیل نیز یک مسجد درست کرده بود. در چپ و راست آن مسجد، دو مناره قرار داشت که با کاشیهای لاجوردیش منظره زیبایی نشان می داده کتیبه هایش نیز مربوط به جعفر که از خطاطان مشهور زمان بوده و در نزد پسرش بایسنقر کار میکرد می بود. اما بزرگترین اثر گوهرشاد مدرسه اوست. پایان بنای مدرسه در سال 836 (1432/33م) ثبت شده است. اما در هر حال در این تاریخ احتمالا یک قسمت از آن تمام شده بود. زیرا از کتیبه موجود در روی آن چنین فهمیده می شود که در سال 821 (1418م) شروع به ساخت مدرسه شده یعنی در همان تاریخی که بنای مسجد مشهد را شروع شده بود و در سال 841 (1437م) نیز به اتمام رسیده است. خواندمیر هنگامی که مشغول نوشتن اثرش بود اشاره می کند که در این مدرسه چهار نفر مشغول تدریس بودند. بابر نیز در کتاب وقایعش از گشت و گذارش در این نواحی به سال

فعالیت‌های عمرانی تیموریان در عصر میرزا شاهرخ (1447-1405م)

912 (1506/7م) یاد کرده است. در قرن 19م افسران انگلیسی و فرانسوی که در افغانستان بودند در نوشته‌های خود از زیبایی، ظرافت و تزیینات مسجد گوهرشاد و مدرسه آن با شگفتی یاد کرده‌اند. اما متأسفانه این آثار امروزه موجود نمی‌باشند. زیرا امیر افغان، عبدالرحمن خان به ظن سخت‌تر کردن دفاعشان در مقابل حمله احتمالی روسها به هرات در سال 1885م دستور تخریب آنها را داده و فقط مناره‌ها و چند مقبره که در وسط قرار داشتند باقی گذاشته شده بود.

گوهرشاد مقبره دیگری نیز در شمال مدرسه بنا کرده بود. بایسنقر پسر شاهرخ، محمد جوکی، عایشه سلطان دختر بایسنقر، مریم سلطان دختر شاهرخ، برای مدت زمانی شاهرخ، سلطان محمد پسر بایسنقر، گوهرشاد خاتون، علا الدوله پسر بایسنقر، ابراهیم پسر علا الدوله، سلطان احمد و محمد جوکی نوه‌های اولوغ بیگ، میرزا شاهرخ پسر میرزا ابوسعید با امیر حسن صوفی ترخان برادر گوهرشاد، پسرش امیر میراب ترخان و پسرش محمد نیز در اینجا دفن شده بودند.

گفته شده که گوهرشاد مقبره دیگری نیز در کوسویه (کوهسان امروزی) بنا کرده بود اما در این باره در منابع چیزی گفته نشده است. به نظر ما این مقبره متعلق به گوهرشاد نبوده بلکه به احتمال زیاد متعلق به یکی از همسران تیمور بنام تومان آغا بوده که این قصبه بعنوان سیورغال به ایشان داده شده بود زیرا مورخ حافظ ابرو (وفات 1430م/833 ه.ق) هنگامی که زبده التواریخ بایسنقری را می‌نوشت اشاره می‌کند که تومان آغا هنوز در کوسویه اقامت داشته و رباط، خانقاه، مدرسه و دیگر بناهای خیریه‌ای را که بنا کرده بود همه آباد بوده‌اند.

همسر دیگر شاهرخ، ملکت آغا نیز از نظر فعالیت‌های عمرانی از گوهرشاد عقب نمانده بود. او ضمن اینکه در کنار مزار خواجه چهل‌گزی در بیرون هرات یک مدرسه بنا کرده بود در بلخ نیز یک مدرسه بنا نهاده بوده و وقتی که در سال 844 (1440م) در کابل وفات یافت در مقبره اش که در انتهای این مدرسه بود خاک سپرده شد. علاوه بر اینکه خانقاه، دارالحدیث، دارالشفاء، دو حمام در هرات که متعلق به او بوده، وی بعنوان بانی رباط بزرگی در 9 فرسخی هرات مابین دره زنگی و چهل دختران نیز شناخته می‌شد.

اولوغ بیگ (وفات 1449م/853) پسر بزرگ شاهرخ که اعتقاد داشت دینها و زبانها بمرور زمان تغییر می‌یابد اما قاعده علوم مثبت برای هر زمان ثابت است، بلافاصله بعد از اینکه از طرف پدرش به فرمانروایی ماورالنهر تعیین شد (1409م) به فعالیت‌های عمرانی پرداخت. تا آنجایی که اطلاع داریم قدیمیترین اثری که بنا کرده مدرسه‌ای در بخارا می‌باشد که بر سر در آن حدیث "تحصیل علم بر تمامی مسلمین اعم از زن و مرد فرض می‌باشد" نوشته شده بود. زیرا او در اواخر سال 1419م وقتی به بخارا آمد در مدرسه‌ای که بنا کرده بود مانده و به شاگردان و افراد لایق بخششهایی کرده بود.

نیز در بیرون شهر سمرقند و نزدیک ارک در محلی که یکی اतिकین باشی خوانده می‌شد در سال 1417م شروع به ساخت مدرسه‌ای نمود که در سال 1420م بپایان رسید. محمد خوافی بعنوان اولین مدرس مدرسه تعیین شده بود. هر چند وقت یکبار خود اولوغ بیگ و کسانی که در مدرسه مسولیتی نداشتند در جلسات مدرسه شرکت کرده و مباحثات علمی انجام می‌گرفت. گهگاهی نیز بین فرمانروا و شاگردان در هر شاخه علمی بحثهایی صورت می‌گرفت. گفته شده که در این مدرسه قاضی زاده رومی و خود اولوغ بیگ نیز تدریس می‌کردند. تعداد شاگردان نیز متجاوز از صد نفر بودند. ضمن اینکه گفته می‌شد که استادان هر شاخه از علوم که در نظر گرفته شود در سمرقند جمع

اکرم نجابتی

بودند اسامی استادان بزرگ علوم مثبت مانند قاضی زاده رومی، علی قوشچی که به هیبت و رسم ترکان در کوچه ها می گشت، غیاث الدین جمشید که از کاشان آورده شده بود و معین الدین نیز ذکر شده است. در دامنه تپه کوهک نیز رصدخانه ای ساخته بود.

گذشته از این در روبروی مدرسه یک خانقاه نیز ساخته شده بود. میرزا اولوغ بیگ برای این بناها، مرتعها و قناتهای زیادی نیز وقف کرده و اداره آنها را نیز به عهده افراد کاردان سپرده بود. اولوغ بیگ همچنین در نزدیکی این مدرسه و خانقاه "میرزا حمامی" را ساخته بود. گفته بابر زمین آن از انواع سنگهای مختلف فرش شده و در خراسان و سمرقند حمام دیگری مانند آن یافت نمی گردید. در دامنه غربی تپه کوهک نیز در باغچه ای که میدان باغی نامیده می شد، چینیخانه قرار داشت که دیوارهای آن از کاشیهای چینی که از چین آورده بود تزیین شده بود.

پسران عمر شیخ که در اصفهان و شیراز حکمرانی میکردند علیرغم منازعات بی پایانی که میانشان رخ میداد به فعالیتهای عمرانی نیز می پرداختند. میرزا اسکندر که بلافاصله بعد از مرگ تیمور در سال 808 (1405/6م) به یزد آمده بود، دیوارهای قلعه را با سوره های شهر یکی کرده، خندق حفر کرده و در دروازه شهر پل متحرک (پابین، بالا رو) گذاشته بود. در درون قلعه نیز یک بنای سه طبقه و حمام درست کرده بود. همچنین در سال 814 (1411/12م) با درست کردن قلعه جلال در شیراز اطرافش خندق عمیقی حفر کرده بود. در اصفهان نیز دو دانگ و نقش جهان را از شهر جدا کرده، با ساختن قلعه ای از خشت پخته خندق اطراف آن را با آب پر کرده بعد از ساختن دیوار دومی در داخل سورها در این محل بنایی بزرگ، حمامها، بازارها، مدرسه و دارالشفای درست کرده و امرا نیز به تبع او برای خودشان خانه هایی ساخته بودند.

بعدها ابراهیم میرزا (وفات 1435م) پسر شاهرخ که حاکمیت مناطق فارس بدو داده شده بود نیز در سال 836 (1432/33م) در شیراز مدرسه و خانقاه بنا کرده بود. اما این مدرسه عمر زیادی نکرده در سال 845 (1441/42م) در اثر هجوم سیل که بعلت بارش بارانهای پی در پی در مناطق فارس بوجود آمده بود ویران شد.

بعضی از کسانی که در امور دولتی خدمت می کردند نیز فعالیتهای عمرانی داشتند. اتابک و بیگلربیگی شاهرخ امیر علیکه کولتاش که در سال 1440م فوت کرده بود مسجدی در سمرقند ساخته بود. در مرو بسیاری از بناهای خیریه که بنام او مرتبط بود وجود داشته، گذشته از آن مدرسه و خانقاهی در هرات در نزدیکی خیابان، حمامی در ورودی دروازه عراق، رباطی در پنج فرسخی شمال هرات که تا سال 929 (1523م) پا بر جا بود بنا کرده بود. علیکه کولتاش که در هنگام مرگ متجاوز از نود سال داشت. وی در مقبره اش که در نزدیکی مدرسه خود بود مدفون گردید.

میدانیم که امیر جلال الدین فیروز شاه که از امیران ارشد بوده و اصلیتش ترکمن بود در هرات مسجد، مدرسه و خانقاه درست کرده و اینها تا قرن 19م موجود بودند. گفته می شود او در بیشتر نقاط کشور برای استفاده عموم دیگر ابنیه های خیریه و رباطات غیر از مواردی که در فوق اشاره گردید درست کرده بود.

امیر فرمان شیخ نیز که در سال 843 (1439م) درگذشت از امرای با نفوذ نزد شاهرخ بود. او در هرات بر روی راه خیابان مدرسه ای بنا کرد که بعدها پسرش ضیا الدین محمد بعنوان مدرس در آن حاضر بود.

فعالیت‌های عمرانی تیموریان در عصر میرزا شاهرخ (1447-1405م)

باز از امرای بزرگ شاه ملک که در ابتدا اتابگی اولوغ بیگ را داشته و بعدها والی خوارزم بوده نیز موقعی که در سمرقند عنوان اتابگی داشته یک مدرسه و در هرات یک مسجد و باغچه و در نزدیکی کوسویه یک رباط ساخته بود. او در مشهد کنار مرقد امام رضا (ع) در مقبره ای که ساخته بود دفن شده بود.

پریزاد از زنانی که در مشهد در خدمت گوهرشاد بوده مدرسه ای ساخته که در روبروی آن امیر یوسف خواجه بهادر بن شیخ علی که از امیران معروف دوره شاهرخ بشمار می رفت نیز در سال 843 (1439م) مدرسه ای بنام " دو در " بنا کرده و خودش نیز در همین اطراف در آرامگاهی که ساخته بود مدفون شده است.

پیر احمد خوافی که در دیوان مالیه خدمت می کرد در خرجرد مدرسه ای که بنام معمارش غیاثیه نیز خوانده می شد و توسط معمار قوام الدین شروع شده و در سال 848 (1444م) توسط معمار غیاث الدین بپایان رسید ساخته بود. باز پیر احمد در همان تاریخ در تأیید مسجدی بنا کرد و نیز وقتی در اردوی مملوکها بود امیر چقماق که به چغتاییان پناهنده شده بود مسجد و مدرسه ای در هرات ساخت که اینها هم در این دوره جزو اثرهایی بوده که ارزش ثبت کردن داشته اند.

این امیر مملوک در نزد چغتاییان ارزش و مقام بالایی داشته و با فاطمه سلطان دختر بایسنقر ازدواج کرد. این زن و شوهر پیوسته در یزد بسر برده در آنجا به فعالیت‌هایی عمرانی زیادی دست زدند. امیر چقماق و همسرش در یزد مسجد، کاروانسرا، خانقاه، حمام و کارخانه های قند، آسیاب و باغها درست کرده چاههایی را کنده بودند.

غیر از اینها مساجد، مدارس، رباطات، خانقاه ها، پلها، مقبره ها، حمامها و ابنیه های خیریه بسیاری نظیر آنها که بر حسب نوع ساخت متعلق به زمان سلجوقیان و مغولان بوده در این دوره بازسازی شده و برای استفاده آماده شدند که تعداد آنها طبق نوشته های مورخ این دوره احمد بن حسین بن علی کاتب به هزار عدد می رسید. یزد در دوره تیموریان در عصر طلایی خود بسر می برد از خیلی قبل زیبایی آن شاهرخ را بتعجب واداشته بود. پسر میرزا عمر شیخ، بسوی اسکندر والی فارس آمده زمانیکه به یزد رسید (1414م/ 817) از جای بلندی به شهر نگاه کرده یک یک بناهای شهرکه با کاشیهای چینی رنگی و درخشانی که منظره بسیار قشنگی داشتند، متعلق به چه کسانی بودند را پرسیده بود.

اگر بناهای دوره تیموری بعنوان معماری ایرانی تلقی شوند باز هم از لحاظ بزرگی و نمای بیرونی از نمونه های ایرانی برتر بودند. از بدایعی که در وهله اول در معماری این دوره بچشم می خورد همانا بلندی بناها و سطوح سر پوشیده هستند که با هزینه های گزافی درست می شدند.

از عناصر مهم دیگر نیز که تا آن موقع به آن درجه نایل نشده بود، استفاده از رنگ بود. کاشیها که تمام قسمتهای قابل دید بنا را پوشش می داند، پر باری رنگ و خطهای باشکوهش را به نمایش می گذاشتند. خواه از نظر ساخت و خواه از نظر تزئینات باشد آثار برگزیده صنعت معماری این دوره و نیز فعالیت‌های معمار قوام الدین، حقیقتاً معماری عصر تیموریان را به درجه بالایی رساندند بطوریکه در اروپا سبب بوجود آمدن تعبیر "رنسانس تیموری" را شد. عناصر این معماری در قرن 16م به صفویها رسیده و تا به امروز ادامه یافته و تکامل پیدا کرد.

Tarih Okulu
Sonbahar 2009
Sayı V, 181-189.

XVI. ASIR “FİYAT DEĞİŞİMİ”NİN OSMANLI - SAFEVİ İLİŞKİLERİ ÜZERİNDEKİ ETKİSİ*

Robert W. Olson
Çeviren: H. Mustafa Eravcı**

Güney Amerika gümüş ve altın madenlerinden altın ve gümüşün ne zaman Osmanlı İmparatorluğunu etkilemeye başladığı konusu henüz daha açık değildir.¹ Prof. Cengiz Orhonlu tarih olarak 1552–1553² yıllarını yerleştirmesine rağmen Prof. İnalçık 1580³ yılları çevresinde vuku bulduğunu belirtir. Gümüş istilasının bütün etkisi ölçülemez ise de Osmanlı İmparatorluğu onun etkisini 1580 yıllarına doğru hissetmeye başladı.⁴ 1580 yıllarında Meksika gümüş ve altınının büyük bir kısmı Cenova'ya ulaşmaya başladı. Böylece İtalya

* Robert W. Olsen, "The Sixteenth Century 'Price Revolution' and Its Effect On The Ottoman Empire and On Ottoman-Safavid Relations", *Acta Orientalia Hafniensis*, XXXVII, 1976, 45-55.

** KMÜ, Doç. Dr., Edebiyat Fakültesi Tarih Böl. hmeravci@hotmail.com.

¹ Fiyat değişiminin klasik görüntüsü, Earl J. Hamilton tarafından yazıldı (*American Treasure and the Price Revolution in Spain 1501-1565*, Cambridge 1934). Bkz. Aynı yazar "The History of Prices before 1750" *Xie Congres International des sciences historiques, Rapports*, vol.I, Stockholm,1960, s.144-64; J.H. Elliot, *Imperial Spain*, 1469-1716 London 1963, s.183-88; I. Hammarstrom, "The Price Revolution of the Sixteenth Century: Some Swedish Evidence" *Scandinavian Economic History Review*, V(1957), s.118-54; Mustafa Akdağ, "Osmanlı İmparatorluğunun Kuruluş ve İnkişafı Devrinde Türkiye'nin İktisadi ve İçtimai Vaziyeti" *Belleten XIII*, no.51 1949,s.497-564;XIV, no.55 (1950) s.319-412; Mustafa Akdağ, *Türkiyenin İktisadi ve İçtimai Tarihi*, Ankara 1959; *Celâli İsyânları (1550-1603)* Ankara 1963, s.33-38; Halil İnalçık, "Osmanlı İmparatorluğunun Kuruluş ve İnkişaf Devirlerinde Türkiye'nin İktisadi Vaziyeti üzerinde bir Tetkik Münasebetiyle" *Belleten XV* 1951,s.629-84; Halil Sahillioğlu, "XV.Yüzyıl Sonunda Osmanlı Darphane Mukataaları", *İktisat Fakültesi Mecmuası*, vol.23 1962-63 s.145-218; Niyazi Berkes, *Türkiye İktisat Tarihi, II* Ankara 1970.

² Cengiz Orhonlu, "Osmanlıların Habeşistan Siyaseti" *Tarih Dergisi*,XV, no.20 Mart 1965,s.40.

³ İnalçık, "İktisadi Vaziyet", s.657.

⁴ İnalçık, "İktisadi Vaziyet" s.657. Altın ve gümüşün etkisi Amerika'dan Avrupa'ya en yüksek seviyesine 1550-1560 yıllarında ulaştı. Bkz. J. Hamilton, *American Treasure and The Price Revolution in Spain*, s.34. J. H. Elliott, *The Old World and the New 1492-1650*, Cambridge 1970,s.54-79.

İspanya paraları ile bolluğa kavuştu. Prof. Braudel'e göre, 1584 de "Bütün paralar pazarda pirim yaptı ve reellerin tümüyle kasalarla sevk edildiği Türkiye'ye yönelik büyük mal ihracatının da birisini oluşturur."⁵ Gümüş ve altının bolluğu Osmanlı hâkimiyetindeki ülkelere akmaya devam etti. 1599'da "Talleri" ve "Realı" Rağusa'dan Tekirdağ ve İskenderun'a gönderildi⁶. Madeni paranın piyasada kullanılmaya başlanıp başlanmadığı belli olmamakla beraber Onun daha sonraki etkisi 1584 yılında Osmanlı Akçesinin devalüasyonuna katkı yaptı.⁷ Gümüş ve altın bolluğu ayrıca 1578'in çok sert finansal krizi devalüasyonu zorlayarak, 800 akçe gümüşün 100 dirheminden basıldı. Hâlbuki daha önceleri sadece 450 akçe dirhem için aynı miktardan basılmıştı. Altın paranın değeri ise 60 akçeden 120 akçeye birden bire yükseldi.⁸ 1586 yıllarında bu değeri düşmüş para ile Yeniçerilerin ulufelerini ödemek için yapılan teşebbüsler ilk şaşırtıcı Yeniçeri ayaklanmasına neden oldu.⁹ 1586 yılına doğru mali önlemler alınmaya başlandığı zaman Osmanlı bütçe gelirleri beklenenden üçte bir daha az oldu. Prof. Braudel, 1584 devalüasyonunun XVII. asrın ortalarına kadar devam eden finansal krizi şiddetlendirdiğini mülahaza etmektedir. Nitekim Osmanlı kaynakları üzerine inşa edilen yakın araştırmalar Braudel'in analizini teyit etmeye yönelmektedir.¹⁰ Prof. Ömer Lütfi Barkan, çok yakın Osmanlı İmparatorluğu üzerinde fiyat değişiminin kısa özlü grafik değerlerini ve etkilerini verdi. Edirne ve civarındaki bazı imaret yıllık muhasebe bilanço ve Osmanlı bütçesi üzerine yaptığı çalışmalara dayalı olarak Barkan 1489, 1616-1617 ve 1632-1633 yıllarında çeşitli gıda maddelerinin fiyat değerlerini karşılaştırdı ve 1499'dan 1616-1617 yılına kadarki esas periyotta Pirinç'in yüzde 506, Buğday'ın yüzde 493 ve Biber'in yüzde 800 yükseldiğini

⁵ Fernand Braudel, *La Mediterranee et le Monde Mediterranee a l'epoque de Philippe II*, Paris 1949, s.393.

⁶ Age, s.393; İncalcık, "İktisadi Vaziyet", s.657; Tarih-i Hind-i Garbi, Peter Martyr'nin (Fernandez de Ovideo and Lopez de Gomara) çalışmasının İtalyanca Tercümesine dayanılarak III. Murad İçin yazılmıştır. Zikredilen parça içindeki Türkçe tercüme "Let us hope to God that some of these valuable lands will be inhabited by Moslems and become part of the Ottoman Lands" alıntı yapılmıştır J. H. Elliott'un eserinden(*The Old World and the New 1492-1650*, s.88.

⁷ İncalcık, "İktisadi Vaziyeti" s.657; Joseph von Hammer-Purgstall, *Histoire de l'empire Ottoman*, Paris 1839, vol. VII, s.375.

⁸ Halil Sahillioğlu, "Savaş Yılı Buhranları", *IFM*, c. 27, s.92. Böylece Altın akçe oranları dirhem için akçe oranlarından bir kaç yüzdeler oranlarda aşağıda kaldı.

⁹ Agm.

¹⁰ İncalcık, "İktisadi Vaziyeti", s.657, Halil Sahillioğlu, "Savaş Yılı Buhranları" s.92-102. Ayrıca bkz. Halil Sahillioğlu, *Sıvış Year Crises in the Ottoman Empire* *Studies in the Economic History of the Middle East*, ed. M.A. Cook, London 1970, s.240-47.

buldu.¹¹ On farklı temel gıdaya dair, Barkan 1489–1616 yılları arasında 127 yıllık zaman diliminde onların 434.4 yükselmeye maruz kaldığını ortaya koydu. Fiyat yükselişi ve enflasyon, 1489 yılının temel verileri kullanılarak hesaba katıldığı zaman altının fiyatı sadece yüzde 240 yükselirken enflasyon ve fiyat yükselişi daha fazla olmuştur.

1585 yılından sonra gıda fiyatlarının yükselişi, 1585’e kadarki basılmış akçe ile karşılaştırıldığı zaman basılmış akçedeki gümüşün oranı yükselen farklı market ile eşlik etmektedir. 1491–1566 yılları esnasında en yüksek değerde 420 akçe, gümüşün 100 dirheminden yapılırken (çok kullanılan Tebriz dirheminin ağırlığı 3.072 gramdır) bir akçe, gümüşün 0,0731 gramından oluşmakta idi. 1491–1516 yılları arasında yukarıda zikredilen 52 akçe bir Osmanlı altın parçasına eşittir. Bir Osmanlı altın parçası almaya 1517–1549 yılları arasında 55 akçe 1550–1566 yılları arasında 60 akçe verilirdi. Bu bahsedilen yıllar esnasında Osmanlı altın parçasındaki gramajda ayrıca azaldı. 1552’de Osmanlı ağırlığı 3.572 gram, 1552–1560 yılları arasında 3.544 gram ve 1563’de 3.517 gramdır.

Bununla beraber 1566 yılından sonra her akçe ve Osmanlı başına gramlar hızlı bir şekilde yükseldi. 420 akçe yerine 450 akçe gümüşün her bir 100 dirheminden darp edildi ve her akçenin gram miktarı 0,731’den 0,682’ye düştü. Hâlbuki bir Osmanlı hala resmi olarak 60 akçe değerlerinde bulunmaktadır. Sikkelerin değerlerinin azalması (Para kenarlarının kesilmesi) ve sahteciliği yüzünden resmi olmayan değer 80–100 akçe arasındaki değerden daha yüksek oldu. Sosyal rahatsızlıklar ekonomik dengesizliklerle paralel bulunuyordu ve bu durum Osmanlı hükümetini 1584 yılının büyük devalüasyonuna zorladı. Böylece bir Osmanlı 450 akçeden daha aza indi ve 800 akçe gümüşün 100 dirheminden basıldı ve gram içeriği 1566 yılının aşağı seviyeleri olan 0.682 seviyelerinden 0.384 değerlerine kadar azaldı. Aynı zamanda Osmanlı Altın para 1563 yılının 120 akçesine eşdeğer olabilecek 3.517 gram ağırlığında tedavül edildi. Bu modelde bir altın parçası almak için 120 akçe 46.080 grama tekabül etti. Hâlbuki önceleri onunla 60 akçe alınıp ve gümüş almaya sadece 40.920 gram tekabül etmekte idi. Daima enflasyon zamanında fakir, sağlam

¹¹ Ömer Barkan, “Edirne ve civarındaki Bazı İmaret Yıllık Muhasebe Bilançoları” *Belgeler*, I,II 1964 s.235-377. Bkz. Aynı yazarın” Türkiye Şehirlerinin Teşekkül ve İnkişaf Tarihi Bakımından İmaret Sisteminin Kuruluş ve İşleyiş Tarzına Ait Araştırmalar” IFM, c.23 no.1-2 ve “Süleymaniye Cami ve İmaret tesirlerine ait Yıllık Bir Muhasebe Bilançosu 1585-86” *Vakıflar Dergisi*, c.IX,s.109-162; “Edirne Askeri Kassamına ait Tereke Defterleri” *Belgeler* ,c.III 1966, s.1-479.

veya sabit gelirliler aynı zamanda gelişmeleri yavaş kavrayanlar ile para bakımından muhafazakâr olanlar büyük ölçüde zarar gördü.

Enflasyon etkileri Yeniçeriler ve ordu arasında da rahatsızlığa neden oldu. Fakat enflasyondan doğrudan kötü bir şekilde etkilenen diğer unsurların aksine askerler mukabele gösterdiler ve enflasyonu oluşturmakla resmi sorumlu addedilen Rum-eli Beylerbeyisi Mehmet Paşa ve Defterdarın öldürülmesi ile son bulan büyük bir ayaklanmayı sahneye koydular. Yönetimin çökmesi, yenice geliştirilen akçenin tedavüle çıkmasının geciktirilmesinde çok büyük tehdit oluşturdu. Fakat bu hareket henüz yeni gümüş paranın darp edilmesi için mevcut hükümetin gümüşü azaltmasına da neden oldu. Sarayın 1589–1590 yılına kadar akçenin değiş tokuşunu sağlayacak aletleri mümkün olmadı ve onun tamamlanmasından önce merkezi hükümet finansal krize maruz kaldı. XVI. yüzyılın son çeyreği aynı yüzyılın ilk çeyreğinden dört kat daha fazla fiyatların yükseldiğini gördü.

Barkana göre, Avrupa'daki fiyat dalgalanması birçok bakımdan Osmanlı İmparatorluğunu etkiledi. En önemlilerinden biri, birçok sonuca etki eden Atlantik ülkeleri için imparatorluğun ham madde kaynaklarına sahip olmasıdır. Bütün bunların ilki, fiyat yükselmesi anlamına geldiği gibi, yerli endüstri ve sanatkârların gelişmesi için ham madde kaynaklarının kıtlığını ortaya çıkardı. Aynı zamanda Osmanlı İmparatorluğu Avrupa ve onun bütün değişen ekonomik finansal yapısı ve metotları ile karşı karşıya geldi. Osmanlı İmparatorluğu ve onun sanat endüstrisinin az gelişmişliğindeki iç ekonomik ve finansal karışıklık Osmanlı ülkesini Avrupalı tüccarların ve ilgilerinin nüfuz alanı haline getirdi. Böylece yeni ithalat ürünleri daha önceki gibi üst aristokrat sınıfın ihtiyaçları olan lüks eşyaları ve maddeleri ithal etmekle sınırlı kalmadı; hatta yeni ve parlak renkli elbiseler, yeni metal ve alaşımlarından üretilmiş eşyalar ayrıca yeni icat edilen silahlar gibi mallardan oluştu. Bunların bütünü yerli sanatkârlara doğrudan rekabeti getirdi. Öncelikle Osmanlı yönetimi Avrupa'ya deve, keçi ve tiftik yünlerinden yapılan bezleri ayrıca halıları, şap boya ve deri mallarını satar idi. Bu lüks mallar yüksek fiyatla da Avrupa'ya satılırdı. Fakat Avrupa kapitalizminin gelişmesi ile şekillenen fiyat dalgalanması yükseldi ve çok pişkin finansal usuller ve iş teknikleri ticari ilişkileri alt üst etti. İmparatorluk ham madde kaynaklarının toplandığı ve yerli sanatkâr ve işçi ile doğrudan rekabet içinde olan ucuz malların satıldığı bir ülke halini aldı. Sonuç olarak, sakat Osmanlı ekonomisi, parasal devalüasyona ve finansal krize katkıda bulunmaya döndü. 1586–1589 yıllarından itibaren

Osmanlı hükümetinin parasal durgunluğu, madeni paranın ihtiyacı ile sonuçlandı ve Osmanlı nüfusunun bir kısmı üzerinde İspanya para birimi olan Riyalin kabul edilmesini kolaylaştırdı. Hatta imparatorluk sahte riyalle dolup taşdıktan sonra, Riyal bozuk Osmanlı akçesine tercih edilerek halk arasında istenilen para olmaya devam etti. Halk tarafından riyalin kabulü, gümüş madeninde üretimi ayrıca Osmanlı para basımını azalttı ve sonunda da durdu.

Avrupa'nın fiyat değişimindeki diğer gelişme Osmanlı ekonomisi üzerinde yan etkiye sahip olmasındır. Özellikle fiyatlardaki büyük azalma ile paranın değerindeki azalma zorunlu oldu. Amerika'da ilk gümüş ve altın gemi mallarının icadı, başlangıçta XVI. yüzyıl ortaları Avrupa'sının kapitalizm gelişmesinde dış veya bağımsız faktörlerdir. Fiyatlar XV. asırda hareketliğini yukarıya doğru çevirmeye başlayarak, merkezi Avrupa'da gümüş madenlerinin işletilmesini hızlandırdı. Fakat XVI. asırdaki Amerikan gümüş ve altın bolluğu, çok daha büyük sonuçlar doğurarak, daha korkunç bir dalgalanmaya neden oldu. Doğal olarak yüksek fiyatlar paranın büyük değerini istedi ve böylece enflasyonun büyümesi devam etti.

Özellikle tarım ürünlerinin fiyatlarının yükselmesi,¹² madeni parada kullanılan altın ve gümüşün miktarlarındaki azalmaya bağlı olarak paranın devam eden devalüasyonu ile eşlik etmiştir. Devalüasyonun en sık safhası ve en serti 1550–1650 yılları arasındaki dönemde vuku buldu. Avrupa'nın yeni gelişmekte olan ulus devletlerinin yükselen istekleri, özellikle yönetimde ve savaş için bütçe açıkları ile de buluşurlarsa sık sık devalüasyonu zorunlu hale getirdi. Osmanlı İmparatorluğunda diğer devletlerde olduğu gibi, hükümet malın en büyük alıcısı olmasından beri, hükümet alım gücü gelecek devalüasyonları zorunlu kılacak çok büyük delikler ortaya çıkararak karşılığında para ihtiyacını artırdı. Böylece fiyat ve vergiler arttı. Fakat yeni vergiler, ilerde hükümet finansını ve ekonomiyi sıkıntıya sokacak olan vergili malların çıkış gücünü azalttı. Bundan başka sadece yerli para spekülörlerinin önceden tahmin edilen devalüasyonun avantajlarını almaya gayret etmeleriyle değil ayrıca yabancı ülkeler, bankerler ve derneklerinde yapması ile durum çok karmaşık bir hal aldı. Becayış etmenin farklı oranlarının avantajını elde eden yabancı ülkeler ve bankerler mümkün olabilecek kadar çok altın almaya teşebbüs ettiler ve sonra 1–12 den 1–15 kadar farklı yelpazesi geniş değiş tokuş

¹²Bu konu hakkında bkz. Suraiya Faroqi “ Vakıf Administration in Sixteenth century Konya: The Zaviye of Sadreddin-i Konevi” *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, c.XVII,s.145-170.

oranları olan Osmanlı İmparatorluğundaki gümüş için altını deęiş tokuş ettiler ve sonra ucuz gümüş ile mallar aldılar. Bu usulde Avrupa ülkeleri, en azından kısmen kendilerinin saygın ülkelerinde yükselen mal arzını ve buna baęlı Avrupa’da ortaya çıkacak fiyatların büyük yükselişine engel olabildiler. Yakın çalışmalar, Osmanlı para ve akçesinin devalüasyonunun dięer Avrupa paralarından çok sık ve çok daha büyük olduğunu gösterir. Ticaret için rekabet ve bütün tarafların karşılıklı mülhazası ekonomik savaşı yükseltti ve sıkça isyana ve ordu çatışmasına yöneldi. Gümüş fiyatlarındaki farklılığı ve yükselen ithalat arasında paranın altın-gümüş muhtevasını azaltmaya dönük teşebbüsler, yükselen vergiler olarak aynı etkilere sahip oldu. Onlar, hala yüksek fiyat ve kıtlıkla sonuçlanan malların iç marketlerde olabilmelerini sınırlandırdı.

Osmanlı İmparatorluğu XVI. asırda genişleyen bir imparatorluktur. İstanbul’daki merkezi hükümet yeni fethedilen bölgelerin güvenliğini sağmak ayrıca buraları dış tehditlere karşı savunmak kısaca henüz elinde tutmak için çok çaba sarf etti. Yeni topraklarda yağma veya vergi olarak toplanan gelirlerin en önemli kısmı büyük ölçüde bu yeni fethedilen topraklarda kalırdı. Bu gelirler İstanbul’daki hazineye intikal etmezdi. Bu durum fethedilen Avusturya toprakları, Macaristan aynı zamanda Diyarbakır, Erzurum, Halep ve Kafkasya gibi doğu vilayetlerinin faydasına idi. Merkezi yönetim sadece yeni yollar ve kaleler için savurgan bir şekilde harcama yapmadı; fakat ayrıca Avrupa ordularının topları ve yeni askeri teçhizatları ile ordusunu teçhiz etti. Fiyat ihtilali ve onun sonuçları devam eden Osmanlı-Safavi savaşlarının en temel nedenlerinden biridir.¹³

Selim I (1512–1520), Şah İsmail’in ipek satışlarını önlemeye ve savaş materyalleri almak için gerekli olan gelirlerden mahrum bırakmaya teşebbüs etti. Bu politika küçük sınırlamalar rağmen Muhteşem Süleyman(1520–1566) döneminde de devam etti. Osmanlıları harekete geçiren 1550’deki gümüş bolluğu ve altın akıntısı Osmanlı sultanın ferman yayınlayarak, bu iki materyalden yapılan materyallerin veya gümüş ve altının ihraç edilmesinin yasaklanmasına dair sultan fermanını yayınlanmasına neden oldu. Bu doğanın ilk fermanı, Sultan Süleyman’ın Safavilere karşı son seferi olan Nahçıvan seferi

¹³ Ömer Lütfi Barkan, “XVI. Asrın İkinci Yarısında Türkiye’de Fiyat Hareketleri” *Belleten*, c.XXXVI 1970,s.557-607; F. Braudel, *La Mediterranée*, s.350-550; Halil Salihlioęlu, *Kuruluştan XVII. Asrın Sonlarına Kadar Osmanlı Para Tarihi Üzerinde Bir Deneme*, Basılmamış Doktora Tezi, İstanbul Üniversitesi 1958, s.191-92; Cengiz Orhonlu, “ Osmanlının Habeşistan Siyaseti 1554-1560” *TD*,XV,no.20 Mart 1965,s.40.

üzerine 1552 yılında yayınlandı. Sultan bu fermanlarda, Osmanlı İmparatorluğunda para sirkülasyonuna yardımcı olmayı, aynı zamanda Tahmasb I (1524–1576)in eline düşmekte olan çok ihtiyaç duyulan gelirleri engellemeyi ümit etmektedir.

Fermanlar 1555’deki Amasya anlaşmasına kadar etkili kaldı. Osmanlı ve Safaviler arasındaki anlaşma tekrar 1576 yılında düşmanlığın başlamasına kadar normal ticaretin akıntısına müsaade edildi. İran’a gümüş ve altın ihracatının kısıtlanması, altının yeni kaynaklarını bulma gayretleri ile paralellik arz eder. 1552 de Salih Paşa kendisinin yaptığı araştırmada ve özel bir görev bularak altından yüklü on beş deveyi aldı.¹⁴ Özdemir Paşa tarafından yapılan Ethiopia’daki son Osmanlı fetihlerinin, Kızıldeniz ve Doğu Afrika ticaretine giden yolu ve altın kaynaklarını güvenlik altına almak gibi iki amacı bulmaktadır. Osmanlılar Doğu Afrika ticaretin kontrolünü elde ederek, Portekizlere Hindistan deniz ticaretini kaybetmenin telafisini ümit ettiler.

Altının yeni kaynakları, bir Türk tarihçinin zayıf gümüş ve ayarı düşük altın gibi tanımları denge için yeterli değildir.¹⁵ Avrupa’dan daha yüksek olan altın ve gümüş fiyatlarının yeni kıtadan Osmanlı İmparatorluğuna bu metallerin akması ile fiyatlarda azalmaya yol açtığı için altın ve gümüş, düşük altın ve zayıf gümüş adını aldı. Avrupalı tüccarların, Avrupa marketlerine aldıkları altın ve gümüş Osmanlı İmparatorluğuna gitti ve Onlar elde ettikleri kazançları daha ucuz karlı ürünler almak için kullandılar. Sonra yerli tüccarlar, kendilerini altının geniş stokları ile buldu. Fakat yerliler, sabit enflasyondan, şimdi yükselmiş fiyatlarda Avrupa milletlerinden ürün aldıkları için stokları hızlı bir şekilde eridi. Osmanlı tüccarları, Osmanlı altın oranlarında Avrupa’ya mal satma ve Avrupa altın oranlarında da Avrupa mallarını alma gibi bir durumda kendilerini buldular.¹⁶ Altın ve gümüş üzerinde her hangi bir verginin olmayışı akıntıyı cesaretlendirdi. Altın diğer habersiz ülkenin yerli ürünü için değiş tokuş yapıldığı takdirde, o çürük altın kısmında kalırdı. Altın kullanılmaksızın ne kadar uzun süre kalırsa o kadar değerini kaybeder. Bu gibi bir sebebe bağlı olarak Osmanlı yönetimi onu yerli üreticilerinin bazılarının ithalat yapmasını yasakladı.

¹⁴ Agm,s.40; Sami İler, *Şimali Afrika’da Türkler*, İstanbul 1936,s.128-29; ayrıca bkz. Cengiz Orhonlu, “1559 Bahreyn Seferine ait bir Rapor” *TD*,XVII,22 Mart 1967,s.1-17.

¹⁵ Mithat Sertoğlu, “XVI Yüzyılda Orta-Doğuda Çürük Altın Meselesi ve Osmanlılar” *Belgelerle Türk Tarih Dergisi*,no.32 Mayıs 1970 s.22.

¹⁶ Agm.,s.23. ayrıca bkz. Braudel, *La Mediterranee*,s.362.

Osmanlı tüccarlarının farkına varmadaki ilk reaksiyonu onların çürük altının mağdurları olduğu ve Avrupa fiyat dalgalanmasının onları bitirdiği hususudur. En yakın haberi olmayan ülke İran idi.¹⁷ İranlılar bilgi sahibi olunca, bir fiyat şişirilmemiş para ile müsavi olduğu için ve yüksek fiyat aldıklarından dolayı onlar Osmanlı tüccarlarına ipek satmak istemediler. Bu İranlıların, Osmanlılarla yaptıkları sulh anlaşmalarında onların ipeği için sabit fiyat üzerinde ısrar etmelerinin yegâne sebebidir.¹⁸

Şüphe yok ki, 1550 yılından sonra Osmanlı- Safavi savaşlarına en büyük katkı sağlayanlarından biri fiyat dalgalanmasıdır. Bu durum Osmanlı ülkesini devre dışı bırakan yeni yollar bulmaya dönük şahın isteklerine katkı yaptı. Fakat İran düşük altın ile ne yaptı? Sorusu önemlidir. Onlar onu Hindistan'a gönderdiler. Orada da onlar güçlü altın karşılığında muhtemelen Avrupa'ya ihraç edilen ürünlerle değiş tokuş yaptılar.¹⁹ Fakat Osmanlı İran arasındaki gümüş ve altının değiş tokuşu kazançlı kaldı. Braudel'e göre bir Venedik Realzioni, 1572'de Türkiye'den İran'a giden gümüş den %20 kazanç ve altından %14-15 kazanıldığını belirtir.²⁰ 1539'da İran'da gümüşün altına oranla değeri 10-1²¹ iken aynı dönem Osmanlı İmparatorluğunda bu değer oranları 12-1 idi.²² 1584 yılının Osmanlı devalüasyonu, 1585'deki %15'lik İran devalüasyonu ile devam etti.²³ Osmanlı ekonomisindeki dalgalanma hemen İran'da da hissedildi. 1584-1585 devalüasyonundan sonra gümüşün fiyatı tekrar yükseliş üzere oldu.²⁴ Altın ve gümüş üzerinde Osmanlı ihracat kontrollerinin karışması ayrıca eksik altın ve gümüş ile fiyat ihtilalının sebep olduğu yüksek fiyatlar, İran para marketi ve gelir sistemini şoke etti. Bu durum Şah Abbasi, Sherley kardeşler, İran'ın Don Juanı ve Carmelite Priests (Karmeliteli Din Adamları)'in gayretleri arasında alternatif yollar aramaya sevk etti. İran'dan İpek

¹⁷ Mithad Sertoğlu, "XVI. Yüzyılda Orta Doğuda Çürük Altın Meselesi", s.23; İnalçık, "İktisadi Vaziyeti", s.658.

¹⁸ Mithad Sertoğlu, "XVI. Yüzyılda Orta Doğuda Çürük Altın Meselesi", s.23.

¹⁹ Agm.,s.23; ayrıca bkz. V. Minorsky, *Tadhkirat al-Mülük*, s.19 ve 27. Hindistan ve İran arasındaki para akışı için bkz. J.H. Elliott, *The Old World and the New 1492-1650*,s.67; İrfan Habib, "Potentialities of Capitalistic Development in the Economy of Mughal India" *Journal of Economic History*, Mart 1969,s.75-76; Halil İnalçık, "Capital Formation in the Ottoman Empire" *Journal of Economic History*, XXIX, March 1969,s.97-140.

²⁰ Braudel, *La Mediterranee...*, s.453,488-91.

²¹ Walter Hinz, "Steurenschriften" *Belleten* XIII, no.52 1949 s.763.

²² İnalçık, "İktisadi Vaziyeti" s.659.

²³ Agm.,s.657-58.

²⁴ Walter Hinz, "Steurenschriften" s.787.

XVI. Asır “Fiyat Deęiřimi”nin Osmanlı-Safevi İliřkileri Üzerindeki Etkisi / R. Olson

ticaretini finanse etmek için gerekli parayı sağlamada English East Indian Company ve Levant Company (İngiliz Doęu Hindistan Őirketi ve Akdeniz Őirketi)lerin kararsızlıkları, Hindistan denizindeki Portekiz ve İspanya arasındaki savař, Korsan ve deniz kaakları saldırılarının yükselmesi, Ümit burnun ve Kasr-ı Őirin (Zuhab) de 1639 da yapılan İran ve Osmanlı sulhunun uzunluęu ticaretin önemli bir kısmını Basra, Baędat, Halep ve Musul’a yöneltti. İki imparatorluk arasında sulh yer almamasına raęmen büyük bir düşmanlık hemen hemen bir asır durdu.